

## تقریب تاریخ

عزل «سیدضیاءالدین طباطبایی»  
به فرمان احمدشاه (۱۳۰۰ ش)

در جریان کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹، عامل نظامی کودتا، رضاخان و عامل سیاسی و کارگردان ظاهر و باطن، سیدضیاءالدین طباطبایی بود که با حمایت انگلیس صورت گرفت. سیدضیاء در نخستین روزهای ورود قوای قزاقی به تهران، با احمدشاه ملاقات و فرمان رئیس‌الوزاری خود را با اختیارات کامل دریافت کرد. نقطه زوال دولت سیدضیاءالدین طباطبایی معروف به دولت سیاه و کابینه صد روزه را باید در اختلاف بین وی و سردار سپه جست. همچنین منتقدان و وابستگان به دربار که عده زیادی از آنان در حس رفته بودند، تلاش شبانه‌روزی خود را برای برکناری او معمول می‌داشتند. سرانجام در روز اول خرداد ۱۳۰۰، شاه به سیدضیاء، تکلیف استعفا نمود، اما سیدضیاء اطاعت نکرد تا اینکه احمدشاه وی را در چهارم خرداد برکنار کرد و دولت ۹۳ روزه‌اش سقوط کرد. پس از برکناری، در همان روز در حالی که از خزانه دولت مبلغ ۲۵ هزار تومان به او برای مخارج سفر داده بودند با تنی چند از دوستان و نزدیکان خود از طریق بغداد عازم اروپا شد و ۲۲ سال در اروپا اقامت گزید.

خودکشی «هاینریش هیملر»  
رئیس سازمان اطلاعات آلمان نازی  
(۱۹۴۵م)

هاینریش هیملر از سران جنایتکار آلمان نازی در ۷ نوامبر ۱۹۰۰م در شهر مونیخ آلمان به دنیا آمد. وی از خانواده‌ای اشرافی بود اما برای امرار معاش به مشاغل گوناگون دست زد و در جریان تأسیس حزب نازی از نخستین اعضای آن شد. هیملر در سال ۱۹۲۹م به ریاست گروه پلیس سیاسی نظامی آلمان موسوم به اس‌اس رسید. ایدئولوژی ناسیونال‌سوسیالیسم مبتنی بر تفوق و برتری نژاد آریایی و سرکوب دشمنان داخلی و خارجی آلمان به رهبری او پیشوای بود و هیملر نیز در پیست‌های گوناگون خود، این تفکر و ایدئولوژی را دنبال می‌کرد. هیملر در سال ۱۹۳۴ به ریاست شهربانی آلمان رسید و در سال‌های میانی جنگ دوم جهانی به وزارت کشور منصوب شد. در واقع در چند سال آخر حکومت نازی‌ها بر آلمان، هیملر بسان یک دیکتاتور واقعی رفتار می‌کرد و حتی رؤسا و کارگردانان حزبی را هم دچار وحشت و اضطراب کرده بود. با این همه، وی در آستانه شکست آلمان در جنگ دوم جهانی در آوریل ۱۹۴۵م به متفقین پیشنهاد کرد که داد که آلمان بین انگلستان و فرانسه تقسیم شود ولی متفقین این پیشنهاد را نپذیرفتند. وی یک ماه پس از آن توسط نیروهای انگلیسی بازداشت شد، اما قبل از رسیدگی به جرائمش به وسیله سربازان خودکشی کرد و در ۲۵ مه ۱۹۴۵م در ۴۵ سالگی به عمرش خاتمه داد.

عقب‌نشینی فضاتبار نیروهای رژیم  
صهیونیستی از جنوب لبنان  
(۲۰۰۰م)

پس از امضای قرارداد کمپ‌دیوید توسط انورسادات، رئیس‌جمهور مصر، این کشور در بین همبمانان عرب خود مورد سرزنش قرار گرفت و طی سالیان بعد منزوی شد. ادامه اختلاف بین کشورهای عربی و اوضاع بحرانی لبنان، رژیم صهیونیستی را به عملیات تجزوارانه‌ای در منطقه تشویق کرد. از این رو در روز ششم ژوئن ۱۹۸۲م، نیروهای رژیم اشغالگر قدس به این بهانه که لبنان به مرکز عملیات تروریستی علیه اسرائیل تبدیل شده و امنیت این رژیم را به خطر انداخته و نیز به بهانه ایجاد امنیت در مرزهای شمالی اسرائیل حمله سراسری و همه‌جانبه‌ای را به جنوب لبنان آغاز کردند و تا جنوب بیروت نیز پیشروی کردند. نیروهای رژیم صهیونیستی پس از تصرف بخشی از جنوب لبنان و بمباران مراکز تجمع فلسطینی‌ها در بیروت، این شهر را مورد حمله قرار دادند. اما سرانجام با حملات پی در پی استشهادهای وارد آوردن تلفات جانی و مالی بساری به نیروهای اسرائیل توسط جان‌پرکفان حزب‌بالله لبنان، ارتش رژیم صهیونیستی مجبور شد به طرز دل‌تیار در ۲۵ مه سال ۲۰۰۰م از جنوب لبنان عقب‌نشینی کرده و پس از ۱۸ سال خاک لبنان را ترک کند.

در سال‌های اخیر به موضوع حضور بیشتر دانش‌آموز در فعالیت‌ها اشاره می‌شود اما هنوز معلم نقش محوری را در کلاس درس ایفا می‌کند و دانش‌آموز در فرآیند تدریس و یادگیری مشارکت کمتری دارد. در سیستم فعلی دانش‌آموز صرفاً با محفوظاتی که دارد درجه‌بندی می‌شود. در امتحان هم باید به این محفوظات پایبند باشد و مجال برای بروز استعدادهای خلاق نمی‌یابد و به تدریج پویایی و تحرک سال‌های کودکی و نوجوانی به خاطر اهمیت ندادن از وی گرفته می‌شود. دانش‌آموز حتی‌الامکان سعی می‌کند سوال نپرسد، چرا که سوال پرسیدن نشانه ندانستن محفوظاتی است که قرار بوده حفظ کند. پرسشگری که فرآیندی پایین به بالاست برعکس می‌شود؛ معلم در این سیستم پرسشگر اصلی است. این سیستم از طرفی معلم را نیز از رکود و روزمرگی خارج نمی‌کند و در برابر سوالات جدید قرار نمی‌دهد. خیلی‌ها می‌گویند تقلید از روش تربیتی و آموزش سکولار، به نظام آموزش کنونی شکل و حالت داده است که حالا دیگر برای همه خسته‌کننده شده است.

## ■ باید به اسلام بازگردیم، نه صرفاً کتاب‌های معارف

اما چرا اینگونه است؟ چرا خروجی دستگاه‌های تعلیم و تربیت و نظام آموزش متناسب با آنچه جمهوری اسلامی می‌خواهد، نیست.

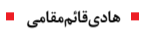
حجت‌الاسلام ذوعلم، یکی از پژوهشگران این حوزه می‌گوید: «خروجی دستگاه‌های تعلیم و تربیت ۲ مؤلفه نشأت می‌گیرد که با هم مرتبطند. مؤلفه اول زیرساخت فکری، فلسفی و نظری است که در تعلیم و تربیت وجود دارد و مؤلفه دوم ساختارها و منابع انسانی و مجموعه مدیریت و برنامه‌ریزی‌ای است که انجام می‌شود. در مورد مؤلفه اول که کمتر اهمیت مورد توجه قرار می‌گیرد، ما به فلسفه اسلامی تعلیم و تربیت که خیلی شفاف و روشن جهت‌گیری انگیزه‌ها، اهداف و رویکردها را تبیین کرده است، نیاز داریم. بویژه باید به واکاوی تفاوت‌های عمیقی که بین تربیت مطلوب اسلامی و الهی با تربیت سکولار - لیبرالیستی وجود دارد، پرداخت. مادر موضوع تربیت دینی نیازمند تولید نظریه‌های اسلامی هستیم که تا حدی کارهایی انجام گرفته است ولی هنوز زمینه‌های زیادی وجود دارد که باید روی آن کار کرد. وی می‌گوید: «ما باید نظریه‌هایی را که از مبانی دینی اسلامی منتج می‌شود، تولید کنیم و گسترش دهیم. در حال حاضر هنوز ما به این نقطه نرسیده‌ایم. علاوه بر آموزش‌وپرورش، در مراکز پژوهشی همچون دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمی نیز باید بر این امر همت شود. این مبنای نظری فلسفی و تربیتی اسلامی باید در لایه‌های مختلف تعلیم و تربیت فهم شود و مورد باور قرار گیرد؛ یعنی نگاه معلم به دانش‌آموز و مربی پرورشی به دانش‌آموز باید همان نگاهی باشد که در فلسفه تعلیم و تربیت اسلام نسبت به انسان وجود دارد. مؤلفه دوم بحث ساختارها و منابع انسانی، سیاست‌ها و برنامه‌ریزی است. این ملاک‌ها نیز اگر بر مبنای آن فلسفه اسلامی طراحی و تزئین شود، می‌تواند خودبه‌خود خروجی را به یک خروجی مطلوب‌تری نزدیک کند. میحت سرمایه انسانی آموزش‌وپرورش بسیار مهم است. باید سرمایه‌گذاری ویژه‌ای در زمینه نیروی انسانی در نظام تعلیم و تربیت صورت گیرد. در حقیقت آموزش‌وپرورش نیاز دارد سرمایه انسانی خودش را دارا بازآموزی و بازپروری کند. شرایطی را برای آنها فراهم کند که آنها بتوانند در سطح

در سیستم فعلی دانش‌آموز صرفاً با محفوظاتی که دارد درجه‌بندی می‌شود و مجال برای بروز استعدادهای خلاق نمی‌یابد. دانش‌آموز حتی‌الامکان سعی می‌کند سوال نپرسد، چرا که سوال پرسیدن نشانه ندانستن محفوظاتی است که قرار بوده حفظ کند. پرسشگری که فرآیندی پایین به بالاست برعکس می‌شود؛ معلم در این سیستم پرسشگر اصلی است

کلاس و مدرسه به‌عنوان یک معلم محقق، پژوهنده و پژوهشگر ظاهر شوند و خودشان را در یک جایگاه رهبری تربیتی برای دانش‌آموزان تعریف کنند. ذوعلم معتقد است این ۲ مؤلفه، یعنی زیرساخت فکری و نظری و زیرساخت ساختاری و منابع انسانی، اگر به درستی تدبیر شوند، خودبه‌خود خروجی و محصول بهتری را در آموزش‌وپرورش خواهیم داشت. استاد حسن رحیم‌پورآزندی هم پیرامون اهمیت تربیت در نظام آموزشی می‌گوید: «تعلیم و تربیت قابل تفکیک از اخلاق اسلامی نیست، تعجب می‌کنم برخی در آموزش‌وپرورش مسؤولند که معتقدند آموزش امری جقدر در کلاس و ربطی به دین ندارد، چرا که آنان یا نمی‌دانند معانی دین چیست یا به اشتباه برای تعلیم و تربیت به آموزش‌وپرورش رفته‌اند. پایه اصلی دین بر مبنای تعلیم و تربیت است، قرآن می‌فرماید پیامبران ما برای تعلیم و تربیت فرستاده شده‌اند و دیگر نمی‌توانیم مدعی باشیم به تعریف انسان کاری نداریم و از نظر مادی آن را بررسی کنیم». وی اضافه می‌کند: «یکی از مشکلات تعلیم و تربیت این است که تفاوتی بین انسان و اسلام قائل است و این می‌تواند به آموزش‌وپرورش ضربه بزند. خداوند به ریشه الهی علم اشاره می‌کند و شما دانشجویان می‌توانید در این راستا پایان‌نامه بنویسید، چرا که خداوند تعلیم را به خود نسبت می‌دهد. نگویید علم بشری و فزایشی، همه علوم ریشه الهی دارند». پیش‌تر نیز گفته شد در دانشگاه‌ها به خاطر غلبه نظام آموزشی سکولار، تولید علم (تولید ثروت) اتفاق نخواهد افتاد و تنها نتیجه و خروجی این دانشگاه تولید مثل است؛ تولید مثل نظریات قبلی و تکراری. در میانه این کش و قوس‌ها، گمشده‌ای به نام خلاقیت و به طور عام‌تر «فرهنگ» در شلوفی نظام مبتنی بر محفوظات که کبی برابر اصل نظام‌های آموزشی سکولار است، چاره همه این رخوت و رکود در سیستم تعلیم و تربیت است؛ فرهنگ تولید علم و فرهنگ ارزش کار برای تولید ثروت.



## مدرسه سکولار؛ ضد تولید، ضد خلاقیت

نظام آموزشی  
مبتنی بر «محفوظات»

ولی ندارد، فقط در رشته ساختمان تخصص دارد و برای همین است که وقتی مدیران ما از فرهنگ حرف می‌زنند، یک مفهوم بسیار تقلیل‌یافته از آن در ذهن دارند. اگر مذهبی باشند، برگزاری نماز جماعت و مراسم مذهبی در سازمان‌ها و ادارات را مصداق کار فرهنگی می‌دانند و اگر کمی امروزی‌تر باشند، برگزاری جشن و دعوت از گروه‌های موسیقی و نمایش فیلم را مصداق کار فرهنگی می‌دانند، در حالی که موضوع کلان‌تر از این حرف‌هاست. مدیران رده‌بالا و وزرای وزارتخانه‌ها باید تأثیرات سازمان‌ها و وزارتخانه‌های زیردست خود را بر مقوله فرهنگ و تغییرات فرهنگی جامعه شناسایی کنند. اگر این تأثیرات تخریبی است، آنها را اصلاح و اگر نقش مثبتی دارند، آنها را تقویت کنند. عضو شورایی عالی انقلاب فرهنگی در ادامه بر ضرورت تقویت نگاه کلان فرهنگی به مساله آموزش تأکید می‌کند و می‌افزاید: «مشکلی که من روی آن تأکید دارم این است که در نظام آموزشی ما درست تفهیم نمی‌شود که انسان یک جسم دارد و یک روح و روان و هر کدام از اینها به یک نوع تغذیه نیازمند است. صفت زیبایی خواهی و عشق به هنر در وجود همه انسان‌ها هست و باید به این نیاز پاسخ داده شود. اگر این نیاز ارضا شود، تأثیرش بر کل زندگی انسان دیده می‌شود. بی‌توجهی به هنر، انسان را خشن و بی‌فرهنگ بار می‌آورد. ۲ نفر که با ماشین تصادف می‌کنند، بلافاصله پیاده می‌شوند و به‌جای عذرخواهی، توی گوش هم می‌زنند. اینگونه رفتارها حاصل بی‌توجهی به هنر و روحیه زیبایی خواهی است. رفتار زیبا و در خور شأن انسان از توجه به هنر و زیبایی برمی‌آید. در این فرآیند، سینما یکی از ضرورت‌های اساسی است. طبیعی است وقتی استاندار ما مهندس عمران باشد، کاری به هنر نخواهد داشت. این شخص بااستعداد بوده، رفته دانشگاه و رابطه آرام‌تر و بنون را خوانده و تا نحوه دانه‌بندی شن و ماسه را خوانده. هر چیزی هم که درباره روابط انسانی می‌داند، حاصل تجارب متفرقه او است و دانشی در این باره ندارد. این شخص وقتی استاندار می‌شود باید درباره مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دید عمیق و کلانی داشته باشد

۱۱ میلیون پرونده در قوه قضائیه داریم، این نشان می‌دهد مفاهمه بین مردم، معیوب است. ■ آیا فقط تغییر کتاب مسأله است؟ اشاره آخر دکتر بنیانیان در رابطه با عیب و ایراد داشتن مفاهمه میان مردم، تأیید همان گزاره‌ای است که چند خط بالاتر به نقل از کارشناسان جامعه‌شناسی آموزش و پرورش اشاره می‌کند می‌کنند برای اینکه انسانی با روابط

عمومی مناسب و زندگی در اجتماع با قابلیت مفاهمه تربیت کنیم، نیاز داریم ادبیات و به عبارت دیگر «ملا و انشاهی» را تقویت کنیم. نه آنچنان که امروز در مدارس کشور مرسوم است، رنگ‌های انشا و ادبیات صرفاً به ساعات «جدی نگرتن» تبدیل شده است، چرا که همه در طول روز و هفته به خاطر جدی گرفتن ساعات دیگر، وقتی برای‌شان نمی‌ماند. کلاس‌هایی که معلوم نیست دقیقاً کدام خلأ را در طول زندگی فرد پر خواهد کرد، ما پیش از هر چیز نیازمند یک انسان سالم هستیم؛ کسی که تن سالمی داشته باشد. اما جقدر در کلان آموزش به ورزش اهمیت می‌دهیم؟ این روزها که موضوع تحول در نظام آموزشی مطرح است، بیشتر محور بحث پیرامون تغییر در محتوای کتب درسی است اما آیا این تغییر - هرچند لازم به نظر می‌رسد - کافی است؟ هر ساله تغییراتی در کتب درسی اتفاق می‌افتد اما کتاب‌های درسی مفاهیم گویایی را دنبال نکرده‌اند. دانش‌آموزان نمی‌دانند مقصود نویسنده کتاب چیست؛ کتاب‌های فعلی، دانشجویان را نقاد بار نمی‌آورد، کاربردی نیست و کارهای علمی، تحقیقاتی و آزمایشگاهی، تجربه و کار میدانی و حتی همان ورزش در ساعات آموزشی نمی‌گنجد. اصول و چارچوب‌های حاکم بر نظام مبتنی بر محفوظات که کبی برابر اصل نظام‌های آموزشی سکولار است، چاره همه این رخوت و رکود در سیستم تعلیم و تربیت است؛ فرهنگ تولید علم و فرهنگ ارزش کار برای تولید ثروت.

مدارس ابتدایی ژاپن را بسیار سزنده، بزرگ، جالب و جذاب توصیف کرده‌اند، برای مثال «کومینگر» می‌گوید: مدارس ابتدایی، گل سرسید آموزش‌وپرورش ژاپن هستند. ژاپن در مقایسه با ایالات متحده آمریکا، سهم بیشتری از تولید ناخالص ملی خود را در مقاطع ۱۲ سال تحصیلی (ابتدایی تا دبیرستان) و مقدار کمتری از آن را در آموزش دانشگاهی خویش هزینه می‌کند. در طول بیش از یکصد سال، رهبران دولتمردان ژاپنی به دوره آموزش ابتدایی به‌عنوان محوری سرنوشته‌ساز در توسعه علم نظر داشتند. درباره مدارس ابتدایی در ژاپن مؤلفه‌های زیر به‌عنوان فرهنگ غالب سیستم آموزشی یعنی وجه تربیتی آن قابل اشاره است:

تأکید بر کار گروهی (تیمی)، انعطاف فکری و نوپذیری، نوسازی اعجاز‌آمیز، کیفیت بالای آموزش، پشتکار، صبر و حوصله، انضباط درونی، احترام به دیگران، روح همکاری دسته‌جمعی، شوق به کار، ثبات، شوق یادگیری، اخلاق کار و تلاش، تأکید بر جنبه کاربردی آموزش، شیوه آموزش مملگرا، تأکید بر آزمایش و پژوهش، تبدیل شدن مدرسه در ژاپن به محل زندگی دانش‌آموزان، سعی در بالا بردن «اعتماد به نفس» فراگیران (دانش‌آموزان)، توجه به بازی‌های آزاد در مدارس و - مدارس ژاپنی بچه‌ها را برای زندگی در جامعه تربیت می‌کند و حس اعتماد به نفس را در آنها پرورش می‌دهد. خلاقیت آنها را شکوفا می‌کند، حس مسؤولیت‌پذیری را در آنها به وجود می‌آورد و آن را تقویت می‌کند. بیشتر حقوق و قوانینی که در سال‌های بعد زندگی فرد، برایش لازم‌آور می‌شود، همان چیزهایی است که در سال‌های ابتدایی آموخته است. اشاره به مدل ژاپنی از این رو است که نظام آموزشی ژاپن برنامه‌ریزی‌های بومی و متناسب با فرهنگ شرقی را که نسبتی هم با اعتقادات کنفسیوسی دارد در قالب‌هایی منظم و رشدمحور شکل داده است. در ایران اما این موضوع جقدر جدی گرفته می‌شود و چه زمانی می‌توان امیدوار بود فرهنگ، سایه بالاسر «نظام آموزش» شود؟

■ وقتی استاندارد ما دکتر و مهندس باشند  
دکتر «حسن بنیانیان» در این باره معتقد است: «ما در نظام آموزشی‌مان علم را تقسیم کرده‌ایم به شاخه‌های مختلف. در این تقسیم‌بندی مساله فرهنگ که برآیند حضور همه رشته‌های دیگر است، کم شده و به فراموشی سپرده شده. شما وقتی قطعات یک ماشین را از هم جدا کنی و نظم آن را به هم بریزی، کسی که قبلاً ماشین ندیده باشد، نمی‌فهمد اینها قطعات آن است. وقتی یکی را مهندس می‌کنی، یکی را پزشک، یکی را اقتصاددان و دیگری را جسابدار و این رشته‌ها مثل قطعات ماشین از هم کاملاً جدا می‌شوند، مفهوم فرهنگ به معنای نظامی از اعتقادات و ارزش‌ها که در

مدارس ابتدایی ژاپن را بسیار سزنده، بزرگ، جالب و جذاب توصیف کرده‌اند، برای مثال «کومینگر» می‌گوید: مدارس ابتدایی، گل سرسید آموزش‌وپرورش ژاپن هستند. ژاپن در مقایسه با ایالات متحده آمریکا، سهم بیشتری از تولید ناخالص ملی خود را در مقاطع ۱۲ سال تحصیلی (ابتدایی تا دبیرستان) و مقدار کمتری از آن را در آموزش دانشگاهی خویش هزینه می‌کند. در طول بیش از یکصد سال، رهبران دولتمردان ژاپنی به دوره آموزش ابتدایی به‌عنوان محوری سرنوشته‌ساز در توسعه علم نظر داشتند. درباره مدارس ابتدایی در ژاپن مؤلفه‌های زیر به‌عنوان فرهنگ غالب سیستم آموزشی یعنی وجه تربیتی آن قابل اشاره است:

تأکید بر کار گروهی (تیمی)، انعطاف فکری و نوپذیری، نوسازی اعجاز‌آمیز، کیفیت بالای آموزش، پشتکار، صبر و حوصله، انضباط درونی، احترام به دیگران، روح همکاری دسته‌جمعی، شوق به کار، ثبات، شوق یادگیری، اخلاق کار و تلاش، تأکید بر جنبه کاربردی آموزش، شیوه آموزش مملگرا، تأکید بر آزمایش و پژوهش، تبدیل شدن مدرسه در ژاپن به محل زندگی دانش‌آموزان، سعی در بالا بردن «اعتماد به نفس» فراگیران (دانش‌آموزان)، توجه به بازی‌های آزاد در مدارس و - مدارس ژاپنی بچه‌ها را برای زندگی در جامعه تربیت می‌کند و حس اعتماد به نفس را در آنها پرورش می‌دهد. خلاقیت آنها را شکوفا می‌کند، حس مسؤولیت‌پذیری را در آنها به وجود می‌آورد و آن را تقویت می‌کند. بیشتر حقوق و قوانینی که در سال‌های بعد زندگی فرد، برایش لازم‌آور می‌شود، همان چیزهایی است که در سال‌های ابتدایی آموخته است. اشاره به مدل ژاپنی از این رو است که نظام آموزشی ژاپن برنامه‌ریزی‌های بومی و متناسب با فرهنگ شرقی را که نسبتی هم با اعتقادات کنفسیوسی دارد در قالب‌هایی منظم و رشدمحور شکل داده است. در ایران اما این موضوع جقدر جدی گرفته می‌شود و چه زمانی می‌توان امیدوار بود فرهنگ، سایه بالاسر «نظام آموزش» شود؟

تأکید بر کار گروهی (تیمی)، انعطاف فکری و نوپذیری، نوسازی اعجاز‌آمیز، کیفیت بالای آموزش، پشتکار، صبر و حوصله، انضباط درونی، احترام به دیگران، روح همکاری دسته‌جمعی، شوق به کار، ثبات، شوق یادگیری، اخلاق کار و تلاش، تأکید بر جنبه کاربردی آموزش، شیوه آموزش مملگرا، تأکید بر آزمایش و پژوهش، تبدیل شدن مدرسه در ژاپن به محل زندگی دانش‌آموزان، سعی در بالا بردن «اعتماد به نفس» فراگیران (دانش‌آموزان)، توجه به بازی‌های آزاد در مدارس و - مدارس ژاپنی بچه‌ها را برای زندگی در جامعه تربیت می‌کند و حس اعتماد به نفس را در آنها پرورش می‌دهد. خلاقیت آنها را شکوفا می‌کند، حس مسؤولیت‌پذیری را در آنها به وجود می‌آورد و آن را تقویت می‌کند. بیشتر حقوق و قوانینی که در سال‌های بعد زندگی فرد، برایش لازم‌آور می‌شود، همان چیزهایی است که در سال‌های ابتدایی آموخته است. اشاره به مدل ژاپنی از این رو است که نظام آموزشی ژاپن برنامه‌ریزی‌های بومی و متناسب با فرهنگ شرقی را که نسبتی هم با اعتقادات کنفسیوسی دارد در قالب‌هایی منظم و رشدمحور شکل داده است. در ایران اما این موضوع جقدر جدی گرفته می‌شود و چه زمانی می‌توان امیدوار بود فرهنگ، سایه بالاسر «نظام آموزش» شود؟

تأکید بر کار گروهی (تیمی)، انعطاف فکری و نوپذیری، نوسازی اعجاز‌آمیز، کیفیت بالای آموزش، پشتکار، صبر و حوصله، انضباط درونی، احترام به دیگران، روح همکاری دسته‌جمعی، شوق به کار، ثبات، شوق یادگیری، اخلاق کار و تلاش، تأکید بر جنبه کاربردی آموزش، شیوه آموزش مملگرا، تأکید بر آزمایش و پژوهش، تبدیل شدن مدرسه در ژاپن به محل زندگی دانش‌آموزان، سعی در بالا بردن «اعتماد به نفس» فراگیران (دانش‌آموزان)، توجه به بازی‌های آزاد در مدارس و - مدارس ژاپنی بچه‌ها را برای زندگی در جامعه تربیت می‌کند و حس اعتماد به نفس را در آنها پرورش می‌دهد. خلاقیت آنها را شکوفا می‌کند، حس مسؤولیت‌پذیری را در آنها به وجود می‌آورد و آن را تقویت می‌کند. بیشتر حقوق و قوانینی که در سال‌های بعد زندگی فرد، برایش لازم‌آور می‌شود، همان چیزهایی است که در سال‌های ابتدایی آموخته است. اشاره به مدل ژاپنی از این رو است که نظام آموزشی ژاپن برنامه‌ریزی‌های بومی و متناسب با فرهنگ شرقی را که نسبتی هم با اعتقادات کنفسیوسی دارد در قالب‌هایی منظم و رشدمحور شکل داده است. در ایران اما این موضوع جقدر جدی گرفته می‌شود و چه زمانی می‌توان امیدوار بود فرهنگ، سایه بالاسر «نظام آموزش» شود؟

تأکید بر کار گروهی (تیمی)، انعطاف فکری و نوپذیری، نوسازی اعجاز‌آمیز، کیفیت بالای آموزش، پشتکار، صبر و حوصله، انضباط درونی، احترام به دیگران، روح همکاری دسته‌جمعی، شوق به کار، ثبات، شوق یادگیری، اخلاق کار و تلاش، تأکید بر جنبه کاربردی آموزش، شیوه آموزش مملگرا، تأکید بر آزمایش و پژوهش، تبدیل شدن مدرسه در ژاپن به محل زندگی دانش‌آموزان، سعی در بالا بردن «اعتماد به نفس» فراگیران (دانش‌آموزان)، توجه به بازی‌های آزاد در مدارس و - مدارس ژاپنی بچه‌ها را برای زندگی در جامعه تربیت می‌کند و حس اعتماد به نفس را در آنها پرورش می‌دهد. خلاقیت آنها را شکوفا می‌کند، حس مسؤولیت‌پذیری را در آنها به وجود می‌آورد و آن را تقویت می‌کند. بیشتر حقوق و قوانینی که در سال‌های بعد زندگی فرد، برایش لازم‌آور می‌شود، همان چیزهایی است که در سال‌های ابتدایی آموخته است. اشاره به مدل ژاپنی از این رو است که نظام آموزشی ژاپن برنامه‌ریزی‌های بومی و متناسب با فرهنگ شرقی را که نسبتی هم با اعتقادات کنفسیوسی دارد در قالب‌هایی منظم و رشدمحور شکل داده است. در ایران اما این موضوع جقدر جدی گرفته می‌شود و چه زمانی می‌توان امیدوار بود فرهنگ، سایه بالاسر «نظام آموزش» شود؟

تأکید بر کار گروهی (تیمی)، انعطاف فکری و نوپذیری، نوسازی اعجاز‌آمیز، کیفیت بالای آموزش، پشتکار، صبر و حوصله، انضباط درونی، احترام به دیگران، روح همکاری دسته‌جمعی، شوق به کار، ثبات، شوق یادگیری، اخلاق کار و تلاش، تأکید بر جنبه کاربردی آموزش، شیوه آموزش مملگرا، تأکید بر آزمایش و پژوهش، تبدیل شدن مدرسه در ژاپن به محل زندگی دانش‌آموزان، سعی در بالا بردن «اعتماد به نفس» فراگیران (دانش‌آموزان)، توجه به بازی‌های آزاد در مدارس و - مدارس ژاپنی بچه‌ها را برای زندگی در جامعه تربیت می‌کند و حس اعتماد به نفس را در آنها پرورش می‌دهد. خلاقیت آنها را شکوفا می‌کند، حس مسؤولیت‌پذیری را در آنها به وجود می‌آورد و آن را تقویت می‌کند. بیشتر حقوق و قوانینی که در سال‌های بعد زندگی فرد، برایش لازم‌آور می‌شود، همان چیزهایی است که در سال‌های ابتدایی آموخته است. اشاره به مدل ژاپنی از این رو است که نظام آموزشی ژاپن برنامه‌ریزی‌های بومی و متناسب با فرهنگ شرقی را که نسبتی هم با اعتقادات کنفسیوسی دارد در قالب‌هایی منظم و رشدمحور شکل داده است. در ایران اما این موضوع جقدر جدی گرفته می‌شود و چه زمانی می‌توان امیدوار بود فرهنگ، سایه بالاسر «نظام آموزش» شود؟

تأکید بر کار گروهی (تیمی)، انعطاف فکری و نوپذیری، نوسازی اعجاز‌آمیز، کیفیت بالای آموزش، پشتکار، صبر و حوصله، انضباط درونی، احترام به دیگران، روح همکاری دسته‌جمعی، شوق به کار، ثبات، شوق یادگیری، اخلاق کار و تلاش، تأکید بر جنبه کاربردی آموزش، شیوه آموزش مملگرا، تأکید بر آزمایش و پژوهش، تبدیل شدن مدرسه در ژاپن به محل زندگی دانش‌آموزان، سعی در بالا بردن «اعتماد به نفس» فراگیران (دانش‌آموزان)، توجه به بازی‌های آزاد در مدارس و - مدارس ژاپنی بچه‌ها را برای زندگی در جامعه تربیت می‌کند و حس اعتماد به نفس را در آنها پرورش می‌دهد. خلاقیت آنها را شکوفا می‌کند، حس مسؤولیت‌پذیری را در آنها به وجود می‌آورد و آن را تقویت می‌کند. بیشتر حقوق و قوانینی که در سال‌های بعد زندگی فرد، برایش لازم‌آور می‌شود، همان چیزهایی است که در سال‌های ابتدایی آموخته است. اشاره به مدل ژاپنی از این رو است که نظام آموزشی ژاپن برنامه‌ریزی‌های بومی و متناسب با فرهنگ شرقی را که نسبتی هم با اعتقادات کنفسیوسی دارد در قالب‌هایی منظم و رشدمحور شکل داده است. در ایران اما این موضوع جقدر جدی گرفته می‌شود و چه زمانی می‌توان امیدوار بود فرهنگ، سایه بالاسر «نظام آموزش» شود؟

تأکید بر کار گروهی (تیمی)، انعطاف فکری و نوپذیری، نوسازی اعجاز‌آمیز، کیفیت بالای آموزش، پشتکار، صبر و حوصله، انضباط درونی، احترام به دیگران، روح همکاری دسته‌جمعی، شوق به کار، ثبات، شوق یادگیری، اخلاق کار و تلاش، تأکید بر جنبه کاربردی آموزش، شیوه آموزش مملگرا، تأکید بر آزمایش و پژوهش، تبدیل شدن مدرسه در ژاپن به محل زندگی دانش‌آموزان، سعی در بالا بردن «اعتماد به نفس» فراگیران (دانش‌آموزان)، توجه به بازی‌های آزاد در مدارس و - مدارس ژاپنی بچه‌ها را برای زندگی در جامعه تربیت می‌کند و حس اعتماد به نفس را در آنها پرورش می‌دهد. خلاقیت آنها را شکوفا می‌کند، حس مسؤولیت‌پذیری را در آنها به وجود می‌آورد و آن را تقویت می‌کند. بیشتر حقوق و قوانینی که در سال‌های بعد زندگی فرد، برایش لازم‌آور می‌شود، همان چیزهایی است که در سال‌های ابتدایی آموخته است. اشاره به مدل ژاپنی از این رو است که نظام آموزشی ژاپن برنامه‌ریزی‌های بومی و متناسب با فرهنگ شرقی را که نسبتی هم با اعتقادات کنفسیوسی دارد در قالب‌هایی منظم و رشدمحور شکل داده است. در ایران اما این موضوع جقدر جدی گرفته می‌شود و چه زمانی می‌توان امیدوار بود فرهنگ، سایه بالاسر «نظام آموزش» شود؟

تأکید بر کار گروهی (تیمی)، انعطاف فکری و نوپذیری، نوسازی اعجاز‌آمیز، کیفیت بالای آموزش، پشتکار، صبر و حوصله، انضباط درونی، احترام به دیگران، روح همکاری دسته‌جمعی، شوق به کار، ثبات، شوق یادگیری، اخلاق کار و تلاش، تأکید بر جنبه کاربردی آموزش، شیوه آموزش مملگرا، تأکید بر آزمایش و پژوهش، تبدیل شدن مدرسه در ژاپن به محل زندگی دانش‌آموزان، سعی در بالا بردن «اعتماد به نفس» فراگیران (دانش‌آموزان)، توجه به بازی‌های آزاد در مدارس و - مدارس ژاپنی بچه‌ها را برای زندگی در جامعه تربیت می‌کند و حس اعتماد به نفس را در آنها پرورش می‌دهد. خلاقیت آنها را شکوفا می‌کند، حس مسؤولیت‌پذیری را در آنها به وجود می‌آورد و آن را تقویت می‌کند. بیشتر حقوق و قوانینی که در سال‌های بعد زندگی فرد، برایش لازم‌آور می‌شود، همان چیزهایی است که در سال‌های ابتدایی آموخته است. اشاره به مدل ژاپنی از این رو است که نظام آموزشی ژاپن برنامه‌ریزی‌های بومی و متناسب با فرهنگ شرقی را که نسبتی هم با اعتقادات کنفسیوسی دارد در قالب‌هایی منظم و رشدمحور شکل داده است. در ایران اما این موضوع جقدر جدی گرفته می‌شود و چه زمانی می‌توان امیدوار بود فرهنگ، سایه بالاسر «نظام آموزش» شود؟

تأکید بر کار گروهی (تیمی)، انعطاف فکری و نوپذیری، نوسازی اعجاز‌آمیز، کیفیت بالای آموزش، پشتکار، صبر و حوصله، انضباط درونی، احترام به دیگران، روح همکاری دسته‌جمعی، شوق به کار، ثبات، شوق یادگیری، اخلاق کار و تلاش، تأکید بر جنبه کاربردی آموزش، شیوه آموزش مملگرا، تأکید بر آزمایش و پژوهش، تبدیل شدن مدرسه در ژاپن به محل زندگی دانش‌آموزان، سعی در بالا بردن «اعتماد به نفس» فراگیران (دانش‌آموزان)، توجه به بازی‌های آزاد در مدارس و - مدارس ژاپنی بچه‌ها را برای زندگی در جامعه تربیت می‌کند و حس اعتماد به نفس را در آنها پرورش می‌دهد. خلاقیت آنها را شکوفا می‌کند، حس مسؤولیت‌پذیری را در آنها به وجود می‌آورد و آن را تقویت می‌کند. بیشتر حقوق و قوانینی که در سال‌های بعد زندگی فرد، برایش لازم‌آور می‌شود، همان چیزهایی است که در سال‌های ابتدایی آموخته است. اشاره به مدل ژاپنی از این رو است که نظام آموزشی ژاپن برنامه‌ریزی‌های بومی و متناسب با فرهنگ شرقی را که نسبتی هم با اعتقادات کنفسیوسی دارد در قالب‌هایی منظم و رشدمحور شکل داده است. در ایران اما این موضوع جقدر جدی گرفته می‌شود و چه زمانی می‌توان امیدوار بود فرهنگ، سایه بالاسر «نظام آموزش» شود؟

تأکید بر کار گروهی (تیمی)، انعطاف فکری و نوپذیری، نوسازی اعجاز‌آمیز، کیفیت بالای آموزش، پشتکار، صبر و حوصله، انضباط درونی، احترام به دیگران، روح همکاری دسته‌جمعی، شوق به کار، ثبات، شوق یادگیری، اخلاق کار و تلاش، تأکید بر جنبه کاربردی آموزش، شیوه آموزش مملگرا، تأکید بر آزمایش و پژوهش، تبدیل شدن مدرسه در ژاپن به محل زندگی دانش‌آموزان، سعی در بالا بردن «اعتماد به نفس» فراگیران (دانش‌آموزان)، توجه به بازی‌های آزاد در مدارس و - مدارس ژاپنی بچه‌ها را برای زندگی در جامعه تربیت می‌کند و حس اعتماد به نفس را در آنها پرورش می‌دهد. خلاقیت آنها را شکوفا می‌کند، حس مسؤولیت‌پذیری را در آنها به وجود می‌آورد و آن را تقویت می‌کند. بیشتر حقوق و قوانینی که در سال‌های بعد زندگی فرد، برایش لازم‌آور می‌شود، همان چیزهایی است که در سال‌های ابتدایی آموخته است. اشاره به مدل ژاپنی از این رو است که نظام آموزشی ژاپن برنامه‌ریزی‌های بومی و متناسب با فرهنگ شرقی را که نسبتی هم با اعتقادات کنفسیوسی دارد در قالب‌هایی منظم و رشدمحور شکل داده است. در ایران اما این موضوع جقدر جدی گرفته می‌شود و چه زمانی می‌توان امیدوار بود فرهنگ، سایه بالاسر «نظام آموزش» شود؟

تأکید بر کار گروهی (تیمی)، انعطاف فکری و نوپذیری، نوسازی اعجاز‌آمیز، کیفیت بالای آموزش، پشتکار، صبر و حوصله، انضباط درونی، احترام به دیگران، روح همکاری دسته‌جمعی، شوق به کار، ثبات، شوق یادگیری، اخلاق کار و تلاش، تأکید بر جنبه کاربردی آموزش، شیوه آموزش مملگرا، تأکید بر آزمایش و پژوهش، تبدیل شدن مدرسه در ژاپن به محل زندگی دانش‌آموزان، سعی در بالا بردن «اعتماد به نفس» فراگیران (دانش‌آموزان)، توجه به بازی‌های آزاد در مدارس و - مدارس ژاپنی بچه‌ها را برای زندگی در جامعه تربیت می‌کند و حس اعتماد به نفس را در آنها پرورش می‌دهد. خلاقیت آنها را شکوفا می‌کند، حس مسؤولیت‌پذیری را در آنها به وجود می‌آورد و آن را تقویت می‌کند. بیشتر حقوق و قوانینی که در سال‌های بعد زندگی فرد، برایش لازم‌آور می‌شود، همان چیزهایی است که در سال‌های ابتدایی آموخته است. اشاره به مدل ژاپنی از این رو است که نظام آموزشی ژاپن برنامه‌ریزی‌های بومی و متناسب با فرهنگ شرقی را که نسبتی هم با اعتقادات کنفسیوسی دارد در قالب‌هایی منظم و رشدمحور شکل داده است. در ایران اما این موضوع جقدر جدی گرفته می‌شود و چه زمانی می‌توان امیدوار بود فرهنگ، سایه بالاسر «نظام آموزش» شود؟

تأکید بر کار گروهی (تیمی)، انعطاف فکری و نوپذیری، نوسازی اعجاز‌آمیز، کیفیت بالای آموزش، پشتکار، صبر و حوصله، انضباط درونی، احترام به دیگران، روح همکاری دسته‌جمعی، شوق به کار، ثبات، شوق یادگیری، اخلاق کار و تلاش، تأکید بر جنبه کاربردی آموزش، شیوه آموزش مملگرا، تأکید بر آزمایش و پژوهش، تبدیل شدن مدرسه در ژاپن به محل زندگی دانش‌آموزان، سعی در بالا بردن «اعتماد به نفس» فراگیران (دانش‌آموزان)، توجه به بازی‌های آزاد در مدارس و - مدارس ژاپنی بچه‌ها را برای زندگی در جامعه تربیت می‌کند و حس اعتماد به نفس را در آنها پرورش می‌دهد. خلاقیت آنها را شکوفا می‌کند، حس مسؤولیت‌پذیری را در آنها به وجود می‌آورد و آن را تقویت می‌کند. بیشتر حقوق و قوانینی که در سال‌های بعد زندگی فرد، برایش لازم‌آور می‌شود، همان چیزهایی است که در سال‌های ابتدایی آموخته است. اشاره به مدل ژاپنی از این رو است که نظام آموزشی ژاپن برنامه‌ریزی‌های بومی و متناسب با فرهنگ شرقی را که نسبتی هم با اعتقادات کنفسیوسی دارد در قالب‌هایی منظم و رشدمحور شکل داده است. در ایران اما این موضوع جقدر جدی گرفته می‌شود و چه زمانی می‌توان امیدوار بود فرهنگ، سایه بالاسر «نظام آموزش» شود؟

تأکید بر کار گروهی (تیمی)، انعطاف فکری و نوپذیری، نوسازی اعجاز‌آمیز، کیفیت بالای آموزش، پشتکار، صبر و حوصله، انضباط درونی، احترام به دیگران، روح همکاری دسته‌جمعی، شوق به کار، ثبات، شوق یادگیری، اخلاق کار و تلاش، تأکید بر جنبه کاربردی آموزش، شیوه آموزش مملگرا، تأکید بر آزمایش و پژوهش، تبدیل شدن مدرسه در ژاپن به محل زندگی دانش‌آموزان، سعی در بالا بردن «اعتماد به نفس» فراگیران (دانش‌آموزان)، توجه به بازی‌های آزاد در مدارس و - مدارس ژاپنی بچه‌ها را برای زندگی در جامعه تربیت می‌کند و حس اعتماد به نفس را در آنها پرورش می‌دهد. خلاقیت آنها را شکوفا می‌کند، حس مسؤولیت‌پذیری را در آنها به وجود می‌آورد و آن را تقویت می‌کند. بیشتر حقوق و قوانینی که در سال‌های بعد زندگی فرد، برایش لازم‌آور می‌شود، همان چیزهایی است که در سال‌های ابتدایی آموخته است. اشاره به مدل ژاپنی از این رو است که نظام آموزشی ژاپن برنامه‌ریزی‌های بومی و متناسب با فرهنگ شرقی را که نسبتی هم با اعتقادات کنفسیوسی دارد در قالب‌هایی منظم و رشدمحور شکل داده است. در ایران اما این موضوع جقدر جدی گرفته می‌شود و چه زمانی می‌توان امیدوار بود فرهنگ، سایه بالاسر «نظام آموزش» شود؟